

خبر

۳۹ سال تا اتمام طرح‌های ناتمام وزارت نیرو!

● ایسنا؛ میراث دولت قبل برای وزارت نیرو بدهی میلیاردي و طرح‌های نیمه‌تمام بوده، اما دولت یازدهم که خود را مکلف به اتمام کارهای نیمه‌تمام دولت قبل دانسته، برای حل این مشکل با بن‌بست منابع مالی روبه‌رو شده است. در قانون بودجه ۳۰۰ طرح سد و شبکه‌های آبیاری و زهکشی تعریف شده که برای اتمام این طرح‌ها نیاز به ۹۵ هزار میلیارد تومان است که به گفته وزیر نیرو، اگر هزینه این طرح‌ها افزایش نیابد، این طرح‌ها به‌طور متوسط ۳۹ سال طول خواهد کشید تا به اتمام برسد.

بازگشایی دفتر انگلیسی در تهران

● تسنیم؛ درحال‌حاضر به‌جز نمایندگانی از شرکت‌های «رامازل» ایتالیا و «زاروپزنتف» روسیه که با سفر به تهران به‌دنبال تأسیس دفتر نمایندگی هستند- مانند شرکت‌های «توتال» فرانسه و «انی» ایتالیا - شرکت «بریتیش پترولیوم» انگلیس (BP) نیز برای تأسیس دفتر نمایندگی در ایران اقدام کرده است. «رکن‌الدین جوادی»، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، در ماه گذشته دیداری با نماینده شرکت BP در تهران داشت و بعد از این دیدار از بازگشایی دفتر نمایندگی این شرکت انگلیسی در تهران خبر داد.

اسکناس چاپ زیمبابوه جایگزین دلار و پوند می‌شود

● مهر؛ رئیس‌جمهور زیمبابوه از جایگزینی واحد گردش دلار در کشورش با اسکناس چاپ داخل خبر داده است، به گزارش رویترز، روبرت موگابه، رئیس‌جمهور زیمبابوه، اعلام کرده است به‌زودی به‌جای جریان گردش دلار در اقتصاد کشورش از واحد پولی جایگزین استفاده خواهد کرد.

ادامه از صفحه ۵

شکستن رکورد ۷ماهه با قیمت ۵۰ دلاری

بر اساس برآوردها، تولید نفت این کشور حدود ۵۰۰ هزار بشکه کاهش یافته که در ۲۲ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.
نچریه یکی از اعضای سازمان اوپک است که روزانه حدود یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت خام تولید می‌کند و بزرگ‌ترین صادرکننده نفت‌خام قاره آفریقا محسوب می‌شود.

پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا از روند قیمت‌ها

اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA) به عنوان یکی از منابع معتبر انتشار آمارهای بخش انرژی، پیش‌بینی خود از روند قیمت‌های نفت را در سال جاری و برای میلادی افزایش داد. بر اساس گزارش چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار انرژی این اداره (STEO)، میانگین قیمت هر بشکه نفت‌خام برنت دریای‌شمال در سال جاری، میلادی ۴۳ دلار و در سال ۲۰۱۷، معادل ۵۲ دلار خواهد بود. همچنین براساس این گزارش، قیمت شاخص نفت خام دبلیو تی.ای آمریکا در سال جاری میلادی همتان کمتر از قیمت شاخص نفت‌خام برنت خواهد بود؛ اما در سال آینده میلادی قیمت این دو شاخص برابر خواهد شد.

افزایش واردات نفت فوق‌سبک کره‌جنوبی از ایران
به گزارش رویترز، به نقل از فارس، کره‌جنوبی تصمیم دارد میزان نفت سبک وارداتی از ایران را با رشد ۵۰ درصدی و تا مرز شش میلیون بشکه در ماه جاری میلادی، افزایش دهد. دلیل اصلی این امر، قیمت پایین‌تر میعانات گازی و نفت فوق‌سبک ایران نسبت به قطر، عنوان شده است. گفتنی است بنا بر این گزارش، کره‌جنوبی به عنوان نخستین مصرف‌کننده نفت جهان، در چهار ماه گذشته سال جاری واردات نفت خود را از ایران با افزایش دوبرابری به سطح ۲۴۸ هزار بشکه در روز رسانده است. مقامات این کشور عنوان کرده‌اند در صورت لغو تحریم دلاری علیه ایران، واردات نفت بیش از این نیز افزایش خواهد یافت.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری هاب (Henry Hub) به عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا، در هفته منتهی به ششم ژوئن، در سطح دودلارو ۳۲ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی (MMBtu) بوده و در ماه جاری میلادی به بالاترین رقم در سال جاری میلادی است.
دلیل اصلی این افزایش، انتشار خبری توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا بود که نشان می‌داد ذخایر گاز طبیعی در هفته گذشته ۸۲ میلیارد فوت مکعب افزایش یافته است؛ این درحالی است که این رقم کمتر از ۸۶ میلیارد فوت مکعبی بود که تحلیلگران بازار انتظار آن را داشتند. همچنین با توجه به افزایش بی‌سابقه قیمت‌های نفت تا مرز بیش از ۵۰ دلار، می‌توان گفت بخشی از این افزایش در قیمت، ناشی از نوسانات بازار نفت است. کارشناسان معتقدند به دلیل پیش‌بینی افزایش مصرف در تابستان، قیمت این حامل انرژی بیش از این افزایش خواهد یافت.

اقتصاد

اقتصاد جهان در هراس از کابوس ۲۰۱۷

ادامه از صفحه ۵

نمی‌کنند؟

مسئله این است که اثر سیاست‌های کاخ سفید در اقتصاد آن‌قدر فراگیر و بزرگ نیست که اثر سیاست‌های فدرال‌رزرو را خنثی کند. وقتی خانم یلسن، رئیس فدرال‌رزرو درباره مسائل پولی صحبت می‌کند، حداقل حدود ۹۰۰ میلیون سرمایه‌گذار و فعالان سیستم‌های مالی پشت کامپیوترها حرف او را گوش می‌کنند و حتی بازارهای ایران التهاب بسیار شدیدی نشان می‌دهند، اما وقتی اوپاما صحبت می‌کند، برای بازارها مهم نیست. این نشان می‌دهد اثرگذاری سیاست‌های مالی و پولی در آمریکا به دو حوزه بسیار متفاوت، یکی با دامنه نفوذ بسیارکم و دیگری بسیاربالا هستند و جالب اینکه اثرگذاری سیاست‌های پولی روی سیاست‌های مالی هم منعکس خواهد شد.

❖ چرا ما در ایران درست عکس آن عمل می‌کنیم؟
در یک کلام، سیاست پولی باید از سیاست مالی مستقل و سیاست پولی، تنظیم‌کننده ارتباطات اقتصادی در کشور باشد، اما در ایران سیاست‌های پولی اثرپذیری کمتری دارند و حجم بودجه دولت است که بر اقتصاد ایران اثر می‌گذارد؛ یعنی کاملاً متفاوت با آمریکا و اروپا. طبیعی است که این عملکرد به اقتصادی ضربه می‌زند. دلشلی هم این است که بانک مرکزی هنوز استقلال خود را به دست نیاورده، چنین فرمی زمانی شکل می‌گیرد که دو پیش‌شرط ایجاد شود؛ یکی استقلال بانک مرکزی و دوم بازارهای مالی توسعه‌یافته. بنابراین فقدان این دو بازار، اثرپذیری سیاست‌های پولی را کم می‌کند و در نتیجه سیاست‌های مالی روی سیاست‌های پولی اثر می‌گذارد و سیاست‌های پولی متأسفانه مخصوصاً در ۱۰، ۱۵ سال گذشته همیشه دنباله‌رو سیاست‌های مالی بوده درحالی‌که باید عکس این قضیه باشد.

❖ اما این وضعیت مدافعان‌همی دارد.

بله، به‌رحال یک شاخه از علم اقتصاد مربوط به اصالت‌دادن به سیاست‌های مالی است و گروهی مدافع این سیاست‌ها هستند. ضمناً منافع عده‌ای هم با این سیاست‌ها گره خورده است. اگر این دوستان واقعیت‌یافته به اقتصاد ایران نگاه کنند، بخش مالی و بودجه است که اقتصاد ایران را دچار تنگنا کرده است. سیاست‌های پولی به‌شدت تابع سیاست‌های مالی شده‌اند. درحال‌حاضر با بانک‌ها قفل کرده‌اند چون عمدتاً از دولت طلب دارند. پیمانکاران، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازتسجی قفل کرده‌اند چون از دولت طلب دارند. یعنی بودجه کل اقتصاد را وارد رکود کرده است. زمان بسیار زیادی است که سیاست‌های مالی به‌عنوان محور تنظیم‌کننده مسائل اقتصادی منسوخ شده است. از آنجا که فرمان اقتصاد جهانی دست بازارهای پولی است، اثرگذاری سیاست‌های مالی روی بازارهای مالی بسیار کم و اثرگذاری سیاست‌های پولی حتی بر بازارهای مالی بسیار زیاد است، بنابراین این تقریباً یک توهم در اقتصاد ایران است که سیاست‌های مالی می‌توانند مسائل اقتصادی کشور را تنظیم کنند. نمی‌گویم یک ایده متفاوت است. وقتی رابطه الف و ب را اشتباه تشخیص دهیم، این توهم است. یکی از دلایلی که اقتصاد ایران دچار بن‌بست‌های جدی شده به خاطر وجود این توهم‌هاست که فعلاً ادامه خواهد داشت و اقتصاد ایران از این توهم‌ها ضربه خواهد خورد. در هر حال بحث اقتصاد جهانی را این‌طور خلاصه کنم که آمریکا تنها کشوری است که توانست خود را تا حدودی از رکود برهاند که البته با آمارهای ارائه‌شده کمی دچار گسستگی شده و نرخ رشد اقتصادی و تورم آمریکا در حال پایین‌آمدن است که هشدارهای بسیار خطرناکی هستند. اروپا به نرخ رشد اقتصادی محدودی دست یافته است و با نرخ بهره صفر کار می‌کند. وضعیت ژاپن خیلی خراب است. چین چهار، پنج سال است که به‌طور مستمر نرخ رشد اقتصادی‌اش کاهش پیدا می‌کند و اخیراً حدود ۶٫۷ درصد شده است و پیش‌بینی برخی کارشناسان این است که در سال ۲۰۱۷ ممکن است کمتر از شش درصد هم برسد. بنابراین در کل جهان با شرایط رکودی و غیرتورمی (Deflationary) مواجه هستیم که دو مشکل جدی جهان است. همراه با این مسائل، حجم بالای بدهی مصرف‌کنندگان و دولت‌ها که تقریباً در تاریخ کشورهای جهان بی سابقه بوده، زمینه‌ساز و عامل تحریک‌کننده پدیده رکود و کاهش قیمت‌ها شده است.

❖ پس معتقدید بدهی کشورها در عمیق‌ترشد رکود تأثیرگذار است. برخی کارشناسان، این تأثیرپذیری را رد می‌کنند.

تأثیر بدهی بر تولید ناخالص داخلی کشورها روی روند اقتصاد جهانی به این شکل است که بدهی‌ها پدیده‌ای تحت عنوان انقباض بسیار منجر به جهان را شکل می‌دهند که نقطه مقابل آن گران‌شدن دلار است چون هر دوی اینها با هم قیمت مواد اولیه را از نظر ارزشی و مقداری پایین می‌آورند. بنابراین یکی از دلایل مشکلی که اکنون در دنیا به وجود آمده، به شکل ساختاری، حجم بسیار بالای بدهی‌های بخش خصوصی، مردم و دولت است. بدهی آمریکا برای اولین‌بار در طول تاریخ این کشور حتی از زمان جنگ جهانی دوم هم بالاتر است. درحال‌حاضر حجم بدهی‌ها، انقباض ایجاد کرده و دیگر یورش تقاضا به بازارهای جهانی وجود ندارد. طبیعی است که این انقباض تقاضا، کاهش قیمت مواد اولیه را تثبیت می‌کند. این مسئله جدی است. چون شکل‌گیری رکود جدید در نظام جهانی ساختاری است، اگر به بحران بسیار آسیب می‌بینند. در دو سال گذشته ارزش پول همه این کشورها سقوط کرده و حتی کشورهای توسعه‌یافته کالایله مثل کانادا که نفت غنی دارد، با سقوط قیمت نفت در یک‌سال‌ونیم گذشته، دلارش ۳۵ درصد سقوط کرده است. همین‌طور دلار استرالیا و نیوزیلند، یعنی این اتفاق خیلی به توسعه‌یافته‌بودن یا نبودن کشورها مربوط نمی‌شود. در سطح بسیار وسیعی، قیمت کالا سقوط

❖ در صورت این اتفاق خواهد افتاد؟

شک‌کنندگی بالایی که قرار بود در اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ قرار بیفتد و نیفتاد، در سال ۲۰۱۷ رخ خواهد داد.

❖ نمی‌توان مثل سال ۲۰۰۸، جلوی این اتفاق را گرفت؟

شرایط سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۷ خیلی متفاوت هستند.

❖ یعنی نداشتن توانایی برای کنترل اقتصاد، پررنگ‌تر شده است؟

بله، به دلیل اینکه تنظیم‌کننده ارتباطات اقتصادی و خروج اقتصادها از بحران و رکود، عمدتاً با توجه به گرایش عمومی اقتصادی که در جهان وجود دارد، دست بانک‌های مرکزی است که به معنای دقیق، خلق سلاح شده‌اند. بانک‌های مرکزی دو ابزار در اختیار دارند که بتوانند با شرایط رکودی و کاهش تورمی مقابله کنند؛ کاهش نرخ بهره و سیاست‌های انبساط پولی. در بسیاری از کشورهای اروپا، نرخ بهره به صفر رسیده، حتی در ژاپن برای ایجاد انگیزه، نرخ بهره را منفی کرده‌اند. در چنین نرخ بهره به پایین‌ترین سطح در پنج سال گذشته رسیده است. در آمریکا یک ماه نرخ بهره را ۰٫۲۵ درصد بالا بردند و شش ماه است که جرئت ندارند این کار را تکرار کنند. در ماه ژوئن هم بعدی می‌دانم نرخ بهره را بالا ببرند. دوم اینکه اثرگذاری سیاست‌های انبساطی تزریق پول در جهان رو به کاهش است و این مسئله خیلی مهم است. مثلاً در ادبیات اقتصادی، واژه‌ای به نام اقتصاد «آبه» Abenomics (نخست‌وزیر ژاپن) رایج شده، به این معنا که به محض اینکه مشکلی در اقتصاد ژاپن به وجود می‌آید، آبه با همکاری بانک مرکزی، ین را به بازار جهانی تزریق می‌کند که منجر به کاهش قیمت ین می‌شود و در نتیجه صادرات ژاپن بیشتر می‌شود و چون اقتصاد معطوف به صادرات دارد، فرض این است که با صادرات می‌توانند اقتصاد را از رکود خارج کنند. آن‌قدر این سیاست را اعمال کرده‌اند که ارزش ژاپن رفته است. به این اتفاق در سیاست انبساطی، اثرگذاری نزولی گفته می‌شود. به همین دلیل بانک مرکزی ژاپن بار برخلاف انتظار عمومی ین را تزریق نکرد.

❖ اما چین هم همین کار را انجام می‌دهد.

کار دیگری نمی‌تواند انجام دهد. یا باید پول تزریق کند یا نرخ بهره را پایین بیاورد. دو ماه قبل در اروپا وقتی نرخ پس‌اندازها را به منفی ۰٫۴ درصد کاهش دادند و نرخ بهره را به صفر رساندند، دراکی (رئیس بانک مرکزی اروپا) اعلام کرد کار دیگری نمی‌توانیم انجام دهیم و این آخرین سیاست انبساطی بود که اعمال کردیم. هفته قبل وقتی دراکی صحبت کرد اعلام کرد خطر پایین‌آمدن اقتصاد اروپا کم‌اکنون وجود دارد و همین مسئله موجب شد یورو سقوط کند. این امر نشان می‌دهد فشنگ بانک‌های مرکزی در نظام جهانی از دست رفته و دیگر ابزاری در اختیار ندارند و چون پایه تنظیم روابط اقتصادی و خروج از رکود در اختیار بانک‌های مرکزی است و در اختیار بانک‌های مرکزی و تفنگشان ندارند، احتمال اینکه بتوانند بحران احتمالی سال ۲۰۱۷ را مثل سال ۲۰۰۸ کنترل کنند، وجود ندارد

❖ اگر این‌طور شود، چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر اقتصاد جهانی نتواند خودش را تنظیم کند، در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ احتمالاً به‌هم‌خوردن اقتصاد جهانی و سقوط وحشتناک قیمت مواد اولیه و جنگ ارزشا وجود دارد. نوسان بسیار بالای نرخ‌های ارزی در سطح جهانی و بحران بدهی‌ها در سطح جهان منجر به ناپسمانی خواهد شد که کشورهای درحال‌توسعه بهای سنگینی بابت این قضیه خواهند پرداخت و بدون تردید یکی از کالاهایی که به‌شدت سقوط خواهد کرد، نفت است که به میزان بالایی بر اقتصاد جهانی اثر خواهد گذاشت. اگر چروچی که قرار است به وجود بیاید، جدید است و کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند چه اتفاقی خواهد افتاد. این شرایط اگر به وجود بیاید، ارزهای ذخیره مثل ین و دلار آمریکا و فرانک سوئیس بسیار قوی خواهند شد، در نقطه مقابل ارزش همه کالاهای کم‌خواهد شد و کشورهایی که اساساً کالایله هستند، کشورهای درحال‌توسعه‌یاً درحال‌ظهور مثل آفریقای جنوبی، برزیل، شیلی، مکزیک و کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه بسیار آسیب می‌بینند. در دو سال گذشته ارزش پول همه این کشورها سقوط کرده و حتی کشورهای توسعه‌یافته کالایله مثل کانادا که نفت غنی دارد، با سقوط قیمت نفت در یک‌سال‌ونیم گذشته، دلارش ۳۵ درصد سقوط کرده است. همین‌طور دلار استرالیا و نیوزیلند، یعنی این اتفاق خیلی به توسعه‌یافته‌بودن یا نبودن کشورها مربوط نمی‌شود. در سطح بسیار وسیعی، قیمت کالا سقوط



عکس: رونق‌ده رستنی، شرق

می‌کند و در نتیجه کشورها با سقوط ارزشان دچار مشکل سیاسی خواهند شد. هنوز که هیچ اتفاقی نیفتاده، خیلی از کشورها مثل عربستان دچار مشکل سیاسی هستند. در ایران تنش بین جناح‌های سیاسی تا این اندازه بالا نبوده، در برزیل بحران به خلع‌شدن از ریاست‌جمهوری منجر شده است. در ونزوئلا هم چندی‌دیگر به فروپاشی کشور منجر می‌شود. یک‌سری کشورها توانسته‌اند سرپا بمانند اما یک‌سری بحران‌های نهفته وجود دارد.

❖ برخی از اقتصاددانان در این اتفاق‌ها آمریکا را دخیل می‌دانند که نظام سیاسی را تغییر می‌دهد که بتواند از بعد اقتصادی بیشتر تأثیرگذار باشد.

به نظر صحیح نیست. کسانی که به‌طور ملموس در نظام جهانی درگیر هستند و قیمت‌ها را می‌بینند، می‌دانند که نظام جهانی براساس یک‌سری قواعد مشخص اداره می‌شود. منظورم از نظام جهانی بازارهای مالی است که اکنون الکترونیکی و به‌شدت غیرمتمرکز و قیمت‌ها در آنها کشف می‌شود. هیچ قدرتی در دنیا این توان را ندارد که روی جریان‌های بازارهای مالی در دنیا اثر بگذارد. طبیعتاً است که بعضی‌ها اثرگذار هستند اما این اثر ماندگار نیست. تردیدی ندارم که بعضی کشورها خیلی خوش‌نیت نیستند اما آنها نمی‌توانند جهت بازارهای مالی را که الکترونیک و غیرمتمرکز شده، عوض کنند و به سستی که خودشان مایل هستند ببرند. بنابراین این بحث به نظر اصلاً درست نیست و کمی ما را خلع سلاح می‌کند که بتوانیم مسائل کشور خودمان را حل کنیم. مثلاً در ابتدا که قیمت نفت شروع به پایین‌آمدن کرد، همواره گفتیم به این دلیل قیمت نفت پایین می‌آید که قیمت دلار در بازارهای جهانی بالا رفته. ولی آن زمان دقیقاً بحث کارشکنی عربستان مطرح می‌شد. مس می‌گفتم روزانه ۹۳ میلیون بشکه نفت در دنیا عرضه می‌شود. عربستان ۱۰ میلیون عرضه می‌کند. چه قدرتی دارد که بتواند چنین موجی را در دنیا ایجاد کند؟ بعد می‌گفتم اگر قیمت نفت کم شده، چرا طلا، مس، آلومینیوم، سرب و گوشت اردک هم ارزان شده است؟ عربستان که نمی‌تواند همه کالاهای را ارزان کند. باید دنبال این پدیده باشیم، چرا برخی مسئولان وزارت نفت هم یای عربستان را به میان می‌کشیدند. نمی‌خواهم نفوذ عربستان را در بازارهای نفت نفی کنم، عربستان می‌تواند روی موج‌های ایجادشده سوار شود، نه اینکه موج ایجاد کند. این دو خیلی با هم متفاوت هستند. دولت آمریکا روی موج‌هایی که ایجاد می‌شود سوار می‌شود. ما هم می‌توانیم این کار را انجام دهیم. به جای اینکه بگوییم چند نفر می‌خواهند دنیا را به هم بریزند، باید به دنبال شناخت نظام جهانی باشیم. تردید ندارم آمریکا کلاً جایی که بخواهد می‌تواند کنترل کند و نفوذ داشته باشد. اما نکته این است که نمی‌تواند نظام جهانی را طوری اداره کند که منافع خودش تنظیم شود. اتفاقاً اکنون شرکت‌های فراملیتی آمریکایی بیشترین بازده نظم جدیدی هستند که در جهان به وجود آمده است. آمریکا به دلیل گران‌شدن دلار بیشترین لطمه را خورده و این‌طور نیست که آمریکا خودش این کار را مهندسی کرده و در حال سودبردن باشد.

❖ می‌توان گفت قدرت آمریکا در کنترل نظام اقتصادی جهانی نسبت به قبل کاهش پیدا کرده است؟
بله، یکی از دلایل این است که بازارها جهانی شده و دلیل عمده دوم این است که حکم اقتصاد جهانی در بازارهای مالی تعیین می‌شود نه در بازارهای کالاها. بحث سوم هم این است که بازارهای مالی به‌شدت غیرمتمرکز شده‌اند و مهم‌ترین بازار فرانکس است که یک بازار به‌شدت غیرمتمرکز است. بنابراین بازار فرانکس قابل‌کنترل نیست. بعضی‌ها بحث ۳۰ سال قبل را مطرح می‌کنند که آمریکا وارد عراق می‌شود که نفت ارزان را به دست بیاورد. آمریکا ۱۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند و نیازی به دو میلیون بشکه نفت عراق ندارد. بنابراین ورود آمریکا به منطقه به خاطر مسائل دیگری است؛ چون بازارهای اصلی در سطح جهان، بازارهای مالی هستند که نیازمند ثبات‌اند. بخش پیشرو در اقتصاد آمریکا و کانادا بازارهای مالی هستند. در آمریکا ۹۰ هزار میلیارد دلار اوراق قرضه مبادله می‌شود. فقط ۲۰ هزار میلیارد سهام مبادله می‌شود. درباره سایر ارزها صحبت نمی‌کنم. حجم بازارهای مالی بسیار بالاست. اوراقی که در بورس نیویورک مبادله می‌شود، به‌تثانی به اندازه کل تولید کره زمین ارزش دارد. بنابراین بازارهای

مالی سکان‌دار و پیشرو اقتصاد جهانی هستند و این بازار نیازمند ثبات است نه نفوذ و جنگ. به همین دلیل استراتژی آمریکا برای حفظ منافع خودش، ثبات در نظام جهانی است.

❖ در چنین شرایطی اگر بخواهیم نگاهی هم به ایران داشته باشیم، پس از برجام، هیأت‌های زیادی از کشورهای اروپایی و دیگر کشورها به ایران آمدند. می‌توان گفت نگاه اقتصادهای جهان به‌ویژه اروپا به ایران و تعابلاتی که برای سرمایه‌گذاری دارند، به بحران اقتصادی جهان و عقب‌رکود برمی‌گردد؟

این کشورها به سه دلیل تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران دارند: اول اینکه بازار خودشان کساد شده، دوم بازار ایران بعد از تحریم بالا آمده و تشنه تقاضاست، سوم اینکه ایران از نظر نفتی کشور ثروتمندی است. بنابراین شما بدون مطالعه، زنبیلتان را می‌گذارید که ببینید چه جنسی می‌خواهند به شما بدهند. این زنبیل‌گذاشتن به معنی اشتیاق برای ورود به ایران نیست. هر کدام از اینها که می‌خواهند وارد ایران شوند، شرط و شروط دارند و کلی مطالعه می‌کنند. بنابراین یکی از انگیزه‌های ورود صنایع خارج از کشور به داخل ایران، رکودی است که در این کشورها وجود دارد.

❖ با این اوصاف، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ما را وابسته‌تر نخواهد کرد و به ضرمان نیست؟

این سرمایه‌گذاری‌ها یک فرصت برای ایران است و باید با هوشمندی و استراتژی درست جلو بود و منافع ایران را در نظر بگیریم. نه اینکه وارد یک موج هیجانی شویم که در دوره‌های مختلف به‌شدت به ما ضربه زده است. نباید سیاست‌ها را براساس هیجانات تنظیم کنیم. سیاست‌های اقتصادی باید براساس هوشمندی اقتصادی باشند. برای ایران درحال‌حاضر این است که از ورود سرمایه‌گذاران خارجی برای این‌المللی‌کردن اقتصاد خودش و ارتباط با جهان خارج استفاده کند. ما باید به انواع مختلف مشارکت خارجی و شرط و شروط برای صادرات ۵۰ درصد محصولات این سرمایه‌گذاری‌ها را بپذیریم. به جز این روش بعدی می‌دانم سرمایه‌گذاری خارجی بتواند مشکل ایران را حل کند و حتی مشکل را جدی‌تر می‌کند، چون درحال‌حاضر، رکود اقتصادی در ایران ناشی از فقدان تقاضای مؤثر در کشور است. سرمایه‌گذار خارجی قرار است محصولش را به چه کسی بفروشد؟ مطمئناً خریدار وجود دارد اما خریداران دهک نهم و دهم هستند، دهک هشتم هم برای خرید مردم است. بنابراین ما با هفت دهک که در اقتصاد جهانی مؤثر ندارند، روبه‌رو هستیم و سرمایه‌گذار خارجی نمی‌تواند با تولید انبوه سود کند. اما اگر پایه را ایران در نظر بگیرد و در منطقه فعالیت کند، نمی‌گویم راه‌حل خوبی است، می‌گویم اکسیر اقتصاد ایران است؛ چون تا اقتصاد ایران از این چنبره خودساخته چندین‌ساله خارج نشود و تعامل خودش را به‌طور سازنده و متکی بر منافع خودش، مبتنی بر هوشمندی اقتصادی ارتقا ندهد، اقتصاد ایران ارتقا پیدا نمی‌کند. مسئله اقتصاد ایران مسئله یکی، دو دعه و مربوط به دوران آقای احمدی‌نژاد نیست و فراتر از این مسائل است. بنابراین راه‌حل هم بنیادی و بلندمدت نیست. اما متأسفانه ما دچار اضطراب هستیم و داند می‌گوییم در حال‌حاضر وقت نیست. وقتی بلندمدت فکر نکنید، یعنی دچار اضطراب هستید.

❖ در همه جای جهان نگاه دولت‌ها کوتاه‌مدت است یا در این زمینه هم منحصربه‌فردیم؟
کشورهای پیشرفته این‌گونه نیستند. ما دچار اضطراب هستیم چون تفکر استراتژیک و تعامل با نظام جهانی نداشته‌ایم. معتقدم در تعامل با نظام جهانی، اقتصاد ایران می‌تواند گه‌گاهی اقتصاد ایران را که مستقل شود، باید تعاملش را با نظام جهانی بیشتر کند و راه‌حل دیگری وجود ندارد. اگر بخواهیم فقط متکی بر اقتصاد داخلی، اقتصاد خودمان را توانمند کنیم، شبیه کره‌شمالی خواهیم شد.

❖ به‌طور مشخص اثرات مستقیم و غیرمستقیم ایران از اقتصاد جهانی چیست؟

عمده‌ترین اثراتی که از نظام جهانی می‌پذیریم، تغییرات قیمت نفت است که بستگی به اوضاع اقتصادی آمریکا دارد. هرچه اوضاع آمریکا بهتر و دلار گران‌تر شود، قیمت نفت پایین آمده و ما را فقیرتر می‌کند. ما از کانال صدلاری قیمت نفت در زمان آقای احمدی‌نژاد به کانال ۳۰، ۴۰ دلاری سقوط کردیم که شبیه یک سخته اقتصادی است. پیش‌بینی این است که در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ حتماً در این کانال باقی خواهیم ماند و نفت به‌زحمت می‌تواند بیش از ۵۰ دلار قیمت داشته باشد. پایین‌بودن قیمت نفت موجب می‌شود کم‌اکنون بودجه دولت یک بودجه انقباضی باقی بماند، هزینه‌های عمرانی کشور مثل سال‌های دهه ۹۰ها به‌شدت کاهش یابد و دولت بخشی از کسری بودجه را از هزینه‌های عمرانی تأمین کند. در نتیجه هزینه‌های عمرانی ما در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ دچار مشکل خواهند بود و کل صنایعی که با هزینه‌های عمرانی مرتبط هستند، دچار رکود خواهند بود. بخش قابل‌توجهی از رونق در اقتصاد ایران از طریق تزریق نقدینگی توسط فروش نفت است و چون قیمت نفت پایین است، تزریق نقدینگی توسط دولت محدود خواهد بود یا در سیستم تله نقدینگی که در کشور وجود دارد، منجمد خواهد شد. در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نقدینگی فعالی نخواهیم داشت و بخش مسکن وارد دوران رونق نخواهد شد. اگر رونقی هم داشته باشد رونق غیرتورمی است؛ یعنی قیمت‌ها خیلی محدود بالا می‌رود و درحاکتر در سطح تورم، قیمت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. اقتصاد ایران هم به دلیل اینکه از کانال صدلاری به کانال ۲۰۴۰دلاری سقوط کرده، نرخ رشدش محدود خواهد بود و نرخ رشد اقتصادی هشت‌درصدی در برنامه ششم نزدیک به خیال خواهد بود و بعید می‌دانم اقتصاد ایران در سال جاری بیش از چهار درصد رشد کند.

گذر

نعمت‌زاده: انتظار داشتیم آلمان سریع‌تر از بقیه به ایران بازگردد

● ایسنا؛ محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت در گفت‌وگو با روزنامه اقتصادی «هندلس‌بلات» آلمان، به تشریح روابط اقتصادی تهران-برلین پرداخت. نعمت‌زاده در این گفت‌وگو و در پاسخ به اینکه ایران می‌خواهد با خاتمه‌یافتن تحریم‌ها جهش بزرگی را در زمینه اقتصادی انجام دهد. حوزه‌هایی که ایران قرار است به‌طور خاص روی آنها سرمایه‌گذاری کند، کدام‌اند؟ توضیح داد، ما در دوران تحریم سخت‌کوش کردیم و بسیاری از چیزهایی را جانشین اقلامی کردیم که قبلاً به کشورمان وارد می‌شدند. وی ادامه داد: ما امروز خود ظرفیت گسترده‌تری در بخش تولید داریم، اما ضمن آن به همکاری درازمدت با کشورهای صنعتی مانند آلمان نیز علاقه‌مند هستیم. در اینجا پروژه‌های زیرساختی، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل، نفت و گاز، در معدن و در بخش موادغذایی در اولویت قرار دارند. وزیر صنعت، معدن و تجارت کشورمان خاطرنشان کرد: ما در این موارد با صدا همکاری از کشورهای مختلف درباره قراردادهای میلیارددلاری مذاکره می‌کنیم. آنچه در اینجا برای ما در درجه‌اول اهمیت قرار دارد، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و شرکت‌های مشترک هستند. پروژه‌هایی را رجحیت دارند که راه‌حل‌های تأمین مالی لازم را هم ارائه دهند. درضمن ما در تلاشیم بخش بانکی خود را دوباره در سطح بین‌المللی فعال و روابط با مؤسسات اعتباری را دوباره برقرار کنیم. وی تأکید کرد: یقیناً این مشکل بزرگی محسوب می‌شود. دولت آلمان از بدهی‌های سابق ایران نزد بیمه اعتباری هرمس شکایت دارد. نعمت‌زاده با بیان اینکه ما خوشبختانه بزرگ‌ترین مشکلات را حل کرده‌ایم، افزود: فقط مشکلات جزئی مانده‌اند که باید بر آنها نیز فائق آییم. امیدواریم اینها هم هرچه زوتر برطرف شوند. با ایتالیا، فرانسه و کره‌جنوبی این معضل را حل کرده‌ایم. درواقع انتظار داشتیم آلمان سریع‌تر از بقیه به ایران بازگردد. اکنون پس از دیدار انجام‌گرفته با کاریل، وزیر اقتصاد فدرال، چنین به نظر می‌رسد آخرین مشکلات هم به‌زودی برطرف شوند و وی هم به‌زودی به ایران سفر خواهد کرد.

ادامه از صفحه ۵

کشاورزی ارگانیک و زنان کشاورز

همچنین نقش حیاتی زنان در تحقق توسعه پایدار ازجمله در زمینه‌های سلامت، آموزش و کاهش خطر بلایای طبیعی مورد توجه قرار گرفت. یکی از محورهای مهم برای دستیابی به حفاظت از زیست‌محیطی در راستای اقتصاد سبز، کشت ارگانیک است، غیر از سلامت تغذیه بشر و حفظ محیط‌زیست، سلامتی کشاورزان نیز نکته حائز اهمیت برای توسعه کشت ارگانیک است. استفاده از سموم در بخش کشاورزی یکی از خطرات عمده برای کشاورزان، کارگران مزرعه و خانواده‌های آنها در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. در سال ۱۹۹۰ براساس برآورد انجام‌شده از سوی سازمان جهانی بهداشت، مشخص شده سالانه ۴۰ هزار مرگ ناخواسته از سوی آفت‌کش‌ها ایجاد شده است. برآوردهای اخیر احتمال دوبرابرشدن این رقم را نشان می‌دهد (IFAD، ۲۰۰۵). به دلیل همین خطرات، کشت ارگانیک رشد یافته و زنان نیز در توسعه آن نقش دارند. آمار جهانی نشان می‌دهد در کشورهایی که فرصت‌های برابر برای حضور زنان و مردان مهیا شده، زنان نیز همیای مردان به کشت ارگانیک روی آورده‌اند. برای نمونه در اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۰۷ حدود ۴۲ درصد نیروی کار بخش کشاورزی که بالغ بر ۱۱میلیون نفر است را زنان تشکیل داده‌اند. حدود ۶۰ درصد نیروی کار زنان در اتحادیه اروپا در سه کشور رومانی (سهم ۷۷ درصد)، لهستان (سهم ۲۱ درصد) و ایتالیا (سهم ۱۱ درصد) تمرکز یافته‌اند. آمار نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۷، زنان ۲۷ درصد از مزارع ارگانیک اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داده و ۱۷ درصد اشغال کشاورزی ارگانیک اتحادیه اروپا را از آن خود کرده‌اند. در این سال، یک درصد از مزارعی که مالکانش زنان بودند، به صورت مزارع ارگانیک مدیریت می‌شدند، براساس همین اطلاعات، بیشترین مزارعی که مالک آنان زنان بودند و به کشت ارگانیک اختصاص داشتند، به استرالیا تعلق دارد که حدود ۱۰۶ درصد مزارع را به خود اختصاص داده است. بعد از آن، کشور دانمارک با هفت درصد و فنلاند با ۶٫۹ درصد قرار دارد (http://epp.eurostat.ec.europa.eu/ http://portal.agriculture/data/database برخی سیاست‌های اتخاذشده برای حضور بیشتر زنان در اتحادیه اروپا برای کشت ارگانیک بر فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در همه زمینه‌ها، توانمندسازی و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای زنان، حمایت از شبکه زنان برای تبادل تجربیات و کار و اقدام مناسب، بهبود ارائه خدمات در مناطق روستایی (مراقبت از کودکان، حمل‌ونقل، بهداشت و درمان، اعتباری، آموزش‌وپرورش، و ...)، افزایش مشارکت بیشتر زنان در بازار کار (با ارائه فرصت‌های شغلی و با آزادکردن زمان اختصاص‌یافته به وظایف مراقبت در خانه)، ایجاد رقابت در بازار کار از طریق ظرفیت‌سازی به‌ویژه توجه به کارآفرینی و مهارت‌های مدیریتی و اطمینان از دستمزد برابر برای کار برابر استوار است.